

* نکره: اسمی که بر فرد یا چیز نامشخص دلالت کند. کتاب - معلم - انسان - رَجُل و ...

* معرفه: اسمی که بر فرد یا چیز مشخص دلالت کند. علی - الكتاب - الذی - أنتم

معارف شش بُود مُضْمِر اضافه عَلَم ذواللام موصول اشاره

1- ضمیرها: تمامی ضمیرها چه متصل و چه منفصل، معرفه هستند: هو - هما - هم ... ک - کما - کم ... إیاک - إیاکما - إیاکم ...

ربی ← ی: ضمیر متصل - معرفه * یذهبون ← ضمیر متصل - معرفه * هو الذی خَلَق ... ← ضمیر منفصل - معرفه .

2- اسمهای عَلَم یا خاص : هر اسم علمی معرفه است هر چند تنوین داشته باشد. حسین - علی - طهران - ایران

(اسم شهرها - کشورها - طایفه ها - اسم های انسان و مکان های مشهور ...) همگی معرفه هستند. تبریز - ایران - قَریش - محسن - احمد

* نکته: اگر اسم های عَلَم با اَل آورده شوند باز هم معرفه به عَلَم خواهند بود: الحسین - الحسن.

3- اسم های اشاره: همه اسم های اشاره «هذا - هذان - هذین - هذه - هاتان - هاتین - هولاء - تلك - ذلک - اولئک - هُنا - هُناک»

معرفه هستند چون به فرد یا جای مشخصی اشاره می کنند.

4- موصول ها: «الذی - الذان - الذین - الذین - الّتی - الّتان - الّتین - الّلاتی - من - ما»

الله هو الذی خَلَقنا ← موصول - معرفه العاقل مَن یَبْعُدُ عن الباطل ← موصول - معرفه

5- اسم های الف و لام (ال) دار: به هر اسمی که دارای «ال» باشد معرفه به ال گفته می شود. المومن - المُستشفی - الكتاب - المعلم و ...

6- اسم های مضاف: هر اسمی که به یک اسم معرفه دیگر اضافه شود، آن اسم هم معرفه خواهد بود و در اصطلاح «معرفه به اضافه»

گفته می شود. کتابُ علی - مدرستنا - معلمو المدرسه

* نکته: اگر یک اسم نکره به یک اسم نکره دیگر اضافه شود، معرفه محسوب نخواهد شد. کتابُ معلم - صديقُ تلميذ

* نکته: اسم های دائم الاضافه مثل کل، عند، بعض و ... نیز نکره محسوب می شوند:

کلُّ طالبٍ (هر دانش آموزی) - کلُّ الناسِ (همه ی مردم) ← معرفه

* نکته: اگر چند اسم پشت سرهم به یکدیگر اضافه شوند (تتابع اضافات) و اسم آخر معرفه باشد اسم های قبل از آن نیز معرفه خواهند بود.

بابُ صفِّ مدرسه علی (معرفه)

* نکته: اسم های مثنی و جمع هنگام اضافه شدن به اسم دیگر «نون» آن ها حذف می شود.

طالبوا المدرسه (دانش آموزان مدرسه) فلاحا المدینه (دو کشاورز شهر)

* نکته: هر اسمی که مضاف (اضافه) شود اَل و تنوین نمی گیرد: الكتابُ علی ← غلط کتابُ علی ← درست

مدینه العلم ← غلط مدینه العلم ← درست

* اللهُ یَعْلَم ما فی السمواتِ و ما فی الارض * إنَّ هذا القرآنُ یهدی الّتی هی أقوم * أكبر العیب أن تعیب مالیک مثله

* کذبت قومُ نوح المرسلین * لفاطمه الزهراء فضائلٌ کثیره * اُتریدین أن توصلی درأسک

* اللغه العربیه من أفصح لغات العالم * بعض الطبقات فی الأرض أظلم من الأخری * هم مشغولون بمطالعه دروسهم

در زبان عربی اسم یا معرب است یا مبنی . اسم معرب اسمی است که با توجه به نقش آن در جمله، حرکت حرف آخرش نیز تغییر می کند اما اسم مبنی ، حرکت حرف آخرش تحت هیچ شرایطی تغییر نمی کند.

حالت‌های اعراب (معرب): رفعُ (مرفوع) نصبَ (منصوب) جرّ (مجرور)
حالت‌های بناء (مبنی): ضَمُّ (مبنی بر ضَمِّ) فَتْحُ (مبنی بر فَتْحِ) كَسْرُ (مبنی بر كَسْرِ) سکون — (مبنی بر سکون)

*** علامتهای اعراب 3 دسته اند : 1- ظاهری (اصلی - فرعی) 2- تقدیری 3- محلی

اعراب ظاهری اصلی: اگر اسمی مرفوع ، منصوب و مجرور بودن را در خود نشان دهد، اعرابش ظاهری اصلی خواهد بود؛

خَرَجَ طَالِبٌ (فاعل و مرفوع) رَأَيْتُ الطَّالِبَ (مفعول و منصوب) الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ (مجرور به حرف جر)

اعراب ظاهری فرعی: اگر اسمی به جای حرکت اصلی خود، حرف، حروف و یا حرکت دیگری بگیرد اعرابش ظاهری فرعی خواهد بود. اعراب فرعی شامل 5 دسته است: اسمهای مثنی ، جمع مذکر سالم ، جمع مونث سالم ، اسماء خمسہ ، اسمهای غیر منصرف .

1- اسمهای مثنی : چه مذکر باشند چه مونث در حالت رفع به جای « الف » میگیرد و با « ان » می آیند و در حالت نصب و جرّ به جای « وِ »
« یاء » میگیرد و با « ینِ » می آیند . يَذْهَبُ الْمُعَلِّمَانِ رَأَيْتُ الْمُعَلِّمَتَيْنِ سَلِّمْتُ عَلَى الْمُعَلِّمَيْنِ

** اسمهای مثنی هنگام اضافه شدن به اسم بعد از خود، نونشان حذف می شود؛ يَذْهَبُ مُعَلِّمًا الْمُدْرَسَةُ رَأَيْتُ مُعَلِّمَتِي الْمُدْرَسَةَ

2- جمع مذکر سالم : چه مذکر باشند چه مونث در حالت رفع به جای « واو » میگیرد و با « ونَ » می آیند و در حالت نصب و جرّ به جای « وِ » و « یاء » میگیرد و با « ینَ » می آیند . جَاءَ الْمُؤْمِنُونَ رَأَيْتُ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابُ الْمُؤْمِنِينَ

** اسمهای جمع نیز هنگام اضافه شدن به اسم بعد از خود، نونشان حذف می شود ؛ جَاءَ مُؤْمِنُو الْمَدِينَةِ رَأَيْتُ مُؤْمِنِي الْمَدِينَةِ

3- جمع مونث سالم: این اسمها در حالت نصبی، هیچ وقت (ـَ) نمی گیرند و به جای آن ، کسره (ِ) می گیرند ؛ رَأَيْتُ الْمُعَلِّمَاتِ یا مُعَلِّمَاتٍ

پس می توان گفت که جمع مونث سالم در حالت رفع و جرّ اعرابش اصلی است و فقط در حالت نصبی اعرابش فرعی خواهد بود.

4- اسمهای غیر منصرف: این اسمها در حالت جرّی به جای کسره (ِ) ، فتحه (َ) می گیرند ، یعنی فقط دو حرکت (َ یا ِ) دارند.

** اسامی غیر منصرف شامل: 1- علم مونث: فاطمه ، مریم ، زهرا السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ

2- اسامی شهرها وکشورها: ایران ، مکه ، شیراز، تبریز سافرت الی مشهد المقدسه

3- اسامی غیر عربی : کامبیز - داریوش - فرعون - هارون و اسامی که دارای « ون » هستند، غیر منصرف اند.

** در میان اسامی پیامبران : محمد (ص) نوح (ع) هود (ع) صالح (ع) شیب (ع) شعيب (ع) لوط (ع) منصرف و ما بقی غیرمنصرف اند. سافرت مع یوسف الی شیراز

4- اسامی جمع مکسر بر وزن مفاعل و مفاعیل : مکاتب ، مشاهیر ، مساجد ، مفاتیح ، مواطن ، قوانین و ...

5- صفات بر وزن أفعل : بأعلم ، مِنْ أعظم ... نکته: اسمهای غیر منصرف اگر ال داشته و یا مضاف باشند می توانند کسره بگیرند:

دَخَلْنَا فِي مِيَادِينِ الْحَرْبِ صَلَّيْتُ فِي الْمَسَاجِدِ

اعراب تقدیری: اسمهای که نمی توانند حرکت اعراب خود را ظاهر کنند، اعرابشان تقدیری خواهد بود.

شامل اسمهای مقصور (لیلی-موسی-دنیا) و منقوص (داعی-قاضی-راضی) و اسمهای مضاف به « ی » متکلم وحده (کتابی-معلمی)

1- اسمهای مقصور: این اسمها در هر سه حالت (رفع - نصب و جرّ) علامت اعرابشان تقدیری است؛

جاءَ الفَتَى رأيتُ موسى سلمتُ على الفَتَى

** اسمهای مقصور در حالت نکره با تنوین نصب (ـُ) می آیند (یعنی موقعی که ال نداشتند و مضاف هم نباشند) : جاءَ فتى سلمتُ على فتى

2- اسمهای منقوص: علامت اعراب این اسمها فقط در حالت رفع و جرّ (ـِ) تقدیری است و در حالت نصبی (ـِ) اعرابش اصلی خواهد بود.

اعتزلَ القاضي مِنَ المحكمَةِ رأيتُ القاضيَ فِي المحكمَةِ سلمتُ على القاضي فِي المحكمَةِ

** اسمهای منقوص در حالت نکره با تنوین کسره (ـِ) می آیند (یعنی موقعی که ال نداشتند و مضاف هم نباشند) : جاءَ والٍ سمعتُ من قاضٍ دقت : اسمهایی که آخرشان یاء تشدیددار (ـِی) و قبل از یاء ساکن باشد منقوص به حساب نمی آیند : نبی - قوی - مرضی - علی - وحی - نهی - شای - مشی ..

3- اسمهای مضاف به « ی » متکلم وحده در هر سه حالت رفع نصب و جرّ اعرابشان تقدیری است :

هذا معلمی رأيتُ تلميذی سلمتُ على معلماتی جاءَ أبی

دقت : دو معلم را دیدم : رأيتُ مُعَلِّمَيْنِ + ی ← مُعَلِّمَيَّ معلم هابم را دیدم : رأيتُ مُعَلِّمِينَ + ی ← مُعَلِّمَيَّ

اعراب محلی : این نوع اعراب مخصوص کلمات مبنی است و مبنی ها هیچ کدام از اعرابهای اصلی را نمی توانند نشان دهند :

جاءَ هذا التلميذ رأيتُ تلكَ المعلمة سلمتُ عليهم

کلمات مبنی شامل :

1- صیغه های 6 و 12 فعل مضارع : يَفْعَلْنَ، تَفْعَلْنَ ** فعل مضارعی که به تاکید ختم شود مبنی است يَذْهَبَنَّ « ن »

2- فعل ماضی (14 صیغه) ضَرَبَ، جَلَسُوا، كَتَبْتُمْ و ... 3- فعل امر حاضر (6 صیغه) اِضْرِبْ، اِضْرَابَا، اِضْرَبُوا -

4- کلیه ضمائر متصل و منفصل : هُوَ، هُمَا و ... ، كَ، كَمَا، كُمْ ... 5 - اسامی اشاره : هَذَا، هَذِهِ، هُوَلاءِ، ذَلِكَ، تِلْكَ ...

** اسامی مثنی اشاره معربند و در حالت رفع « ان » و نصب و جر « ين » می گیرند : جاءَ هذانِ رأيتُ هذَينِ

6 - اسم موصول : مَنْ، ما، الذي، الذين، الّتي ** اسامی مثنی موصول خاص معربند : اللذانِ، اللذَينِ، اللتانِ، اللتَينِ

7- اسامی استفهام : مَنْ (چه کسی)، ما (چه چیزی)، متى (چه وقت)، ماذا (چه چیز)، كَيْفَ (چگونه)، أينَ (کجا) -

8- اسامی شرط : مَنْ (هر کسی)، ما (چه چیزی)، اينما (هر جا)، متى (هر وقت)، مَهْمَا (هر طور) -

9- بعضی از ظروف زمان و مکان : الآنَ، لَمَّا (وقتیکه)، هنا (اینجا)، هناك (آنجا)، إذِ إِذَا (وقتیکه)، لَدَى لَدُنْ (نزد)، مَعَ (با ...) حيثُ (جائیکه)، أَمْسِي (دیروز)

* یادآوری 1: اسم منادای غَلَمَ (خاص) مبنی بر ضم است . يا اللهُ يا قُدْسُ * یادآوری 2: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح است .

لا شَيْءَ أَفْضَحُ مِنَ الكَبْرِ

جمله ها و شبه جمله هم وقتی که نقش می گیرند اعرابشان محلی خواهد بود: الفلاحان يزرعان كانَ التلاميذ فِي المدرسَةِ

صفت: اسمی است که حالت ویژگی اسم قبل از خود را توضیح می دهد. به اسمی که ویژگی و حالت اش به وسیله صفت بیان می شود، «موصوف» می گویند.

ترکیب وصفی = موصوف + صفت مسجد عظیم (مسجدی بزرگ) کتاباً مفیداً (کتابی مفید)
الطالبة الناشطة (دانش آموز بانشاط) الطلاب المجتدين (دانش آموزان کوشا)

موصوف و صفت در چهار مورد باهم مطابقت دارند:

1- اعراب : عطش شدید 2- جنس: صفة محموده 3- عدد : الطالبان النشيطان 4- معرفه یا نکره بودن: علی العالم

* صفت بر دو نوع است: الف) صفت مفرد ب) صفت جمله (جمله وصفیه)

الف) صفت مفرد: اسمی (مفرد، مثنی، جمع) است که ویژگی و حالت اسم قبل از خود را توضیح می دهد.

الطلاب المجتدون : دانش آموزان کوشا الطالبات الناشطات : دانش آموزان بانشاط

* نکته: در صورتی که موصوف، جمع غیر انسان و یا مونث معنوی باشد، صفت آن به صورت مفرد مونث آورده می شود:

- الأشجار الباسقة (درختان بلند) - أرض واسعة (زمین گسترده) - الشمس الجميلة (خورشید زیبا) - اعمال صعبة (کارهای سخت)

* نکته: هر اسم مشتقی که ال داشته باشد و پس از اسم اشاره، آنها و ایتها بیاید، صفت خواهد بود.

يا أيها المسلمون إتجدوا هؤلاء المومنون يذهبون (این مومنان می روند) أيتها المومنات أكتبن مقالة

* نکته: موصول های خاص «الذی - التی - الذین ...» اگر پس از اسم ال دار بیایند صفت محسوب می شوند.

جاء الرجل الذي يقول الحق : مردی که حق را می گوید آمد. رأيت المرأة التي تعمل في السوق : زنی را دیدم که در بازار کار می کرد

* نکته: اگر از بین موصوف و صفت یکی از آن ها غیرمنصرف باشد تنوین و کسره نمی گیرد ولی دیگری می گیرد:

صفحة خضراء (صفحه سبز) من قوانين علمية (از قانون های علمی) مساجد جميلة (مسجدهای زیبا)

* نکته: اگر یک اسم، هم صفت داشته باشد هم مضاف الیه؛ اول مضاف الیه را می آوریم سپس صفت را :

مسجد المدينة الكبير : مسجد بزرگ عطشة الشديد : تشنگی شدید او طلاب المدرسة المجتدون : دانش آموزان کوشای مدرسه

* نکته: اگر یک اسم دو یا چند صفت داشته باشد باید بدون «و» (حرف عطف) بیاید: طلاب المدرسة المجتدون دانش آموزان کوشای مدرسه

هذا تلميذ عالم مجتهد نظيف : این دانش آموز عالم تلاشگر پاکیزه ای است.

ولی اگر بین دو صفت «و» (حرف عطف) بیاید فقط اولی صفت بقیه معطوف خواهند بود:

هذا تلميذ عالم و مجتهد و نظيف : این دانش آموز عالم و تلاشگر و پاکیزه ای است.

* نکته: عددهای یک و دو (واحد - واحده - إثنان - إثنان) وقتی بعد از معدود خود می آیند، صفت آن محسوب می شوند و از نظر جنس و اعراب با آن مطابقت می کنند: کتابٌ واحدٌ مجلةٌ واحدةٌ مجلتانِ إثنان تلميذانِ إثنان

(ب) جمله وصفیه: هرگاه جمله ی اسمیه یا فعلیه ای درباره یک اسم نکره ی قبل از خود توضیح دهد به آن «جمله وصفیه» می گویند.

« جمله ها و شبه جمله ها اعرابشان، محلی است؛ بنابراین جمله وصفیه نیز اعرابش محلی خواهد بود»

جلستٌ تحتَ شجرهٍ ظلِّها وسیعٌ : زیر درختی نشستم که سایه اش وسیع بود.

رأيتُ ظبياً يمشي بهدوءٍ : آهویی را دیدم که به آرامی راه می رفت

جاء تلميذٌ يكتُبُ تكاليفه بجدٌ : دانش آموزی آمد که تکلیفهایش را با جدیت می نویسد

* نکته : جمله وصفیه حتماً باید بعد از اسم نکره قرار بگیرد بدون «وَ» (حرف عطف) :

اسم نکره + جمله ← جمله وصفیه جاء تلاميذٌ يتكلمونَ عنِ الدرسِ

اسم معرفه + جمله ← جمله حالیه جاء التلاميذُ يتكلمونَ عنِ الدرسِ - جاء التلاميذُ و هم يتكلمونَ عنِ الدرسِ

* نکته : جمله وصفیه می تواند بعد از یک صفت نیز قرار بگیرد ؛ یعنی ← اسم نکره + صفت + جمله وصفیه ؛ کتبتُ رسائلٌ مختلفةً تتحدَّثُ عنِ العلومِ

* نکته : در ترجمه جمله وصفیه ؛

- هرگاه فعل جمله اصلی و جمله وصفیه هر دو ماضی باشد، فعل جمله وصفیه بصورت ماضی بعید یا ماضی ساده ترجمه می شود:

بعثتُ قلمًا قد اشتريته من السوقِ (قلمی را فروختم که آن را از بازار خریده بودم)

- هرگاه فعل جمله اصلی ماضی و فعل جمله وصفیه مضارع باشد، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود:

شاهدتُ عُصفوراً يطيرُ (گنجشکی را دیدم که پرواز می کرد)

- هرگاه فعل جمله اصلی و جمله وصفیه هر دو مضارع باشد، فعل جمله وصفیه بصورت مضارع التزامی ترجمه می شود:

أفتشُّ عن تلميذٍ يُساعدني (به دنبال دانش آموزی می گردم که مرا یاری کند)

- أيها الإنسان! ما غرَكَ برَبِّكَ الكَرِيمِ - نشاهدُ الأراضِ الخضرَاءَ في شمالِ بلادنا - حملتُ محفظَةً فيها كُتُبٌ قيِّمَةٌ

- هم تلاميذٌ يحاولون في حفظِ دروسهم - كنتُ أطلعُ الدروسَ المختلفةَ في الماضي - معلمو المدرسِ المجتهدون يتحملون المصاعبَ العديدة

- إجتنبوا علماً يضرُّ الإنسانَ و لا يَنْفَعُهُ - سافرتُ معَ أمِّي العجوزِ إلى مشهد - تلك غاباتٌ خضرَاءُ ظهرت من بعيد

اگر اسمی را به اسم دیگر اضافه کنیم ؛ به اسم اول « مضاف » و به اسم دوم « مضاف الیه » می گوئیم .

مساعده الآخرین إجتنبُ المعاصی أمامَ المحکمۃ

نکته ها * مضاف هیچ گاه آل و تنوین نمی گیرد : - الكتاب التلمیذ - کتاب التلمیذ

اسم علم - ضمیر - اسم اشاره و موصول
نمی توانند مضاف واقع شوند

* مضاف نقش محسوب نمی شود اما مضاف الیه نقشی مستقل دارد و همیشه مجرور است.

إنی أحبُّ إکتسابَ الثوابِ مِن وظائفِ المسلمِ إجتنبُ المعاصی

* اسامی مثنی و جمع مذکر سالم اگر مضاف واقع شوند « نون » از آخر آن ها حذف می شود؛

معلّمان المدرسه ← معلّما المدرسه مسلمون العالم ← مسلمو العالم سلّمتُ علی معلّمی المدرسه

* اگر اسمی هم زمان هم صفت داشته باشد و هم مضاف الیه، اول مضاف الیه می آید ؛ بعد صفت؛

مضاف + مضاف الیه + صفت

بابُ المدرسه الكبيرُ ← المدرسه: مضاف الیه - الكبير: صفتِ باب (دربِ بزرگ مدرسه)

بابُ المدرسه الكبيره ← المدرسه: مضاف الیه - الكبيره: صفتِ مدرسه (دربِ مدرسه بزرگ)

- عبادُ الله الصالحون ← بندگان صالح خدا - تلميذهُ الصفِ المجتهدهُ ← دانش آموز کوشای کلاس - صديقُكَ العالم ← دوست دانشمند تو

* هرگاه ضمایر متصل منصوبی یا مجروری به اسمها بچسبند؛ مضاف الیه و محلاً مجرور خواهند بود؛

کتابی = کتاب + «ی» ← مضاف الیه و محلاً مجرور معلمکم صفّهم رأیتُ أباهُ

* اسمهای غیر منصرف به جای کسره، فتحه می گیرند، بنابراین هنگام مضاف الیه شدن علامتشان فرعی خواهد بود؛

نتیجهٔ مصائبَ مسلمو ایرانَ معلمو مدارسَ = معلمو المدارسِ

* اسمهایی مانند « کل - بعض - جمیع - غیر و ... » و ظرفهایی مانند « أمام - خلف - وراء - قبل - بعد ... » دائم الإضافة هستند

یعنی همواره پس از آنها مضاف الیه می آید ؛ بعدَ محاولهٍ كثيرهٍ وجدتُ بئراً رأیتُ بعضَ أصدقائی رجع الطلابُ قبلَ الغروبِ

* هرگاه چند اسم پیاپی به هم اضافه شوند، اگر اسم آخر معرفه باشد بقیه هم معرفه خواهند بود اگر نکره باشد بقیه هم نکره خواهند بود؛

کتابُ معلّمِ صفّنا ← کتاب معلم کلاس ما لونُ بابِ صفّ مدرسه مدینة ← رنگِ درب مدرسه شهری

=====

جميع فلاحی القرية حاضرون ما عند الله ألدّ و أطيبُ معلمنا يُشجّعنا علی أداء الواجبات المنزليّة أمواله الطيب

إني قانع برزقي أعدت الأمّ غرفة الضيوف لحضورهم غابات مازندران الخضراء جميلة نشاهد الأراضي الخضراء في شمال بلادنا

أفضل أصدقاء الإنسان من يُقرّبهِ إلى الحقّ ذهبتُ إلى ضيافة أخى

فعل مضارع دارای 3 إعراب است ؛ * فعل مضارع مرفوع * فعل مضارع منصوب * فعل مضارع مجزوم
مضارع مرفوع: فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است و با 2 علامت نشان داده می شود: ضمه (ُ) ← إعراب اصلی ثبوت نون (ن) ← إعراب
 فرعی

در صیغه های 1 - 4 - 7 - 13 و 14 فعل مضارع مرفوع با ضمه (ُ) است . یذهبُ - تذهبُ - تذهبُ - أذهبُ - نذهبُ
 در صیغه های 2 - 3 - 5 - 8 - 9 - 10 - 11 فعل مضارع مرفوع با ثبوت نون (ن) است: یذهبان - یذهبون - تذهبان - تذهبون - تذهبین
 صیغه های 6 و 12 فعل مضارع مبنی برسکون هستند: یذهبَنَ - تذهبَنَ (در هیچ شرایطی نون آنها حذف نمی شود)

مضارع منصوب: اگر حروف ناصبه « أن (که) - لن (منفی-هرگز) - لـ (برای این که) - کَی (تا اینکه) - لَکَی (تا اینکه) - حَتَی (تا اینکه) »
 قبل از فعل مضارع بیایند ، آن را منصوب می کنند.

در صیغه های 1 - 4 - 7 - 13 و 14 فعل مضارع ، با تبدیل ضمه (ُ) به فتحه (َ) منصوب می شود: أن یذهب - حتی تذهب - لأذهب - نذهبُ
 در صیغه های 2 - 3 - 5 - 8 - 9 - 10 - 11 فعل مضارع با حذف نون (ن) تبدیل به منصوب می شود: حتی یذهبوا - أن یذهبوا - لن تذهبی
 صیغه های 6 و 12 فعل مضارع مبنی برسکون هستند پس محلاً منصوب خواهند بود: أن یذهبَنَ - حتی تذهبَنَ (نون آنها حذف نمی شود)
نکته: فعل مضارع منصوب را بصورت « مضارع التزامی » ترجمه می کنیم: أن یذهبُ ← که برود حتی یذهبوا ← تا اینکه بروند (2 نفر)
 « لن » را بصورت فعل مضارع مستقبل منفی (آینده منفی) ترجمه می کنیم: لن یکتُبَ : نخواهد نوشت لن یسمعوا : نخواهند شنید

مضارع مجزوم: هرگاه حروف جازمه ← « لم - لمّا - لام أمر (لـ) - لام نهي »

و ادات شرط ← « إن (اگر) - من (هرکس) - ما (هرچیز) - متى (هروقت) - أينما (هرجا) » قبل از فعل مضارع بیایند

آن را مجزوم می کنند. صیغه هایی که ضمه دارند تبدیل به ساکن می شود و صیغه هایی که نون إعراب دارند نون آنها حذف می شود :

- لم یذهب : نرفته است ، نرفت لم یکتبوا : ننوشته است، ننوشت « بصورت ماضی ساده منفی یا نقلی منفی ترجمه می شود »

- لمّا یخرج : خارج نشده است لمّا یخرجوا : خارج نشده اند « بصورت ماضی نقلی منفی ترجمه می شود »

** هرگاه لمّا با فعل ماضی همراه شود نقش ظرف خواهد داشت و بصورت « وقتیکه ، هنگامیکه » ترجمه می شود ؛ لمّا دخلتُ : هنگامیکه وارد شدم

- لام أمر (لـ) ؛ فقط با صیغه های غائب و متکلم همراه شده و بصورت « باید ... » ترجمه می شود ← مضارع التزامی

لیکتُبَ : باید بنویسد لیجلسوا : باید بنشینند لأذهب : باید بروم لتعلم : باید بدانیم

نکته: فرق لام ناصبه با لام أمر ؛ لام ناصبه با تمام صیغه ها همراه می شود ولی لام أمر (لـ) ؛ فقط با صیغه های غائب و متکلم همراه می شود :

لیعلم : برای این که بداند (منصوب) لیعلم : باید بداند (مجزوم) ** لیذهبوا : برای این که بروند (منصوب) لیذهبوا : باید بروند (مجزوم)

- لام نهي فقط با 6 صیغه مخاطب همراه می شود و تبدیل به فعل نهي می گردد ؛ لا تذهب : نرو لا تکتبوا : ننویسید لا تجلسوا : ننشینید

نکته: لای نفی با تمام صیغه ها همراه شده و بدون هیچ تغییری آن ها را تبدیل به مضارع منفی می کند ؛ لا یذهب : نمی رود لا تکتبون : نمی نویسید

ادات شرط دو فعل را مجزوم می کنند که به فعل اول «فعل شرط» و به دومی «جواب شرط» می گوئیم ؛

إن تدرُسَ تَنجَحَ : اگر درس بخوانی قبول می شوی ما تَعْمَلُوا يَعْلَمَهُ اللهُ : هرچه انجام بدهید خدا آن را می داند

أینما تَکُونُوا یُدرِکُکُمُ المَوْتُ : هرکجا باشید مرگ، شما را درمی یابد مَن تُکْرِمُهُ یُکْرِمُکَ : هرکس را گرامی بداری تو را گرامی میدارد

نکته: فعل شرط بصورت مضارع التزامی و جواب شرط بصورت مضارع اخباری ترجمه خواهد شد.

نکته: هرگاه ادات شرط قبل از فعل ماضی بیایند ، محلاً مجزوم خواهند بود چون فعل ماضی مبنی است ؛ مَن دَرَسَ نَجَحَ ؛ هرکس درس بخواند موفق می

شود **نکته:** هرگاه فعل مضارع بعد از فعل طلب (امر - نهي) قرار بگیرد مجزوم خواهد شد ؛ لا تَکذِبُ یُحِبِّبُکَ اللهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد

* فعل معلوم: فعلی است که فاعلش مشخص باشد. كَتَبَ الطَّالِبُ رِسَالَةً: دانش آموز نامه ای را نوشت. (فعل معلوم + فاعل + مفعول)

* فعل مجهول: فعلی است که فاعلش مشخص نباشد. كُتِبَتِ رِسَالَةٌ: نامه نوشته شد. (فعل مجهول + نائب فاعل)

* روش تبدیل فعل معلوم به فعل مجهول:

الف) ماضی: عین الفعل (دومین حرف اصلی) را کسره (ـِ) می دهیم ← همه حرف های حرکت دار قبلی را ضمه (ـُ) می دهیم.

فعل: كَتَبَ - رُزِقَ - نُزِلَ - أُكْتُسِبَ - خُلِقَ - أُرْسِلُوا و ...

ب) فعل مضارع: عین الفعل را فتحه (ـَ) می دهیم ← حرف مضارعه را ضمه (ـُ) می دهیم.

يُفَعَّلُ: يَكْتُبُ ← يَكْتُبُ يَجْعَلُ ← يَجْعَلُ يِرْزُقُونَ ← يِرْزُقُونَ

* روش تبدیل جمله معلوم به جمله مجهول: 1- فاعل جمله را حذف و مفعول را تبدیل به نائب فاعل و مرفوع می کنیم 2- فعل را طبق قواعد گفته شده

به مجهول تبدیل می کنیم 3- فعل را از نظر عدد و جنس با نائب فاعل مطابقت می دهیم .

چون کلمه «دروس» جمع غیر عاقل است بنابراین به عنوان مفرد مونث محسوب شده و فعل به صورت مونث آورده می شود.

كَتَبَ الطَّالِبُ الدَّرْسَ: 1- كَتَبَ الدَّرْسُ 2- كُتِبَ الدَّرْسُ 3- كُتِبَتِ الدَّرْسُ ←

يَغْفِرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ: 1- يَغْفِرُ الْمُؤْمِنُونَ 2- يَغْفَرُ الْمُؤْمِنُونَ

*** نائب فاعل مانند فاعل به 3 شکل می آید: 1- اسم ظاهر: كُتِبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ (نائب فاعل و مرفوع)

2- ضمیر بارز: نُصِرْتُمْ: (تُم = نائب فاعل و مرفوع محلاً) 3- ضمیر مستتر: الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ مُنِعَتْ مِنَ التَّكَاثُلِ (هی مستتر در مُنِعَتْ نائب فاعل و مرفوع محلاً)

* نکته: در جمله های دو مفعولی، مفعول اول را به عنوان نائب فاعل، مرفوع می کنیم و مفعول دوم به حالت خود باقی می ماند.

مَنَحَ الْمُدِيرُ التَّلْمِيذَ جَائِزَةً ← مَنِحَ التَّلْمِيذُ جَائِزَةً

* نکته: جمله هایی که با مبتدا شروع می شوند، هنگام مجهول کردن، مبتدا را حذف می کنیم و فقط با فعل، فاعل و مفعول جمله سر و کار داریم.

عَلَى يَكْتُبُ الدَّرْسَ: يَكْتُبُ الدَّرْسُ

* نکته: اگر مفعول جمله ضمیر باشد، ضمیر را حذف می کنیم و فعل مجهول را متناسب با همان ضمیر (حذف شده) می آوریم.

كُتِبَتْهُمْ: آنها را نوشتیم ← كُتِبُوا: نوشته شدند أَنْزَلْنَاهَا: آن را نازل کردیم ← أَنْزَلْتُ: نازل شد

يَنْصُرُهُمْ: آنها را یاری می دهد ← يَنْصُرُونَ: یاری داده می شوند

* نکته: فعل ماضی اگر حرف اولش ضمه (ـُ) باشد معمولاً مجهول است.

از فعل لازم و امر نمی توان فعل مجهول ساخت.

افعال ناقصه ی « كان (بود)، ليس (نیست)، أصبح (گردید)، مادام (تازمانیکه)، ما زال (همیشه-پیوسته) و صار (شد) » بر سر جمله اسمیه وارد شده و

مبتدا را اسم خود مرفوع نگه داشته و خبر را به عنوان خبر خود منصوب می کنند: كان الجو مطراً أصبح الصدقُ أنفعَ التجارة
 *** اسم افعال ناقصه همیشه مرفوع است و به شکل اسم ظاهر - ضمیر مستتر یا ضمیر بارز می آید:

كانَ المومِنُ بعيداً عن التكاثرِ كانتَ بعيدةً عن التكاثرِ المؤمنون كانوا بعيدينَ عن التكاثرِ (كان المؤمنون بعيدينَ عن التكاثرِ)
 *** خبر افعال ناقصه به سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می آید:

كانت الغابةُ جميلةً كانت الفلاحَةُ تعملُ في الحديقةِ ليس على المنضدةُ كتابٌ كانَ بينهم عالمٌ فطينٌ

نکته: فعلهای ناقصه در همه صیغه ها و زمانها خاصیت خودشان را دارند؛ چه ماضی باشند چه مضارع و چه امر. يكونُ عالماً :

از میان افعال ناقصه، « ليس و مادام » فقط در ماضی صرف می شود؛ لستُ أشقى الناسِ الصلابُ ناجحون ماداموا مجتهدين

* ضمایر متصل رفعی اگر با افعال ناقصه همراه شوند، اسم آن ها و محلاً مرفوع خواهند بود: مادمتما ناجحتين أصبحنا متقدمين

كان + فعل مضارع: ماضی استمراری فارسی كان يقولُ: می گفت كانوا يكتبون: می نوشتند

كان + قَدْ + فعل ماضی: ماضی بعید فارسی كان قد قال: گفته بود كنتم كتبتم: نوشته بودید

موضوع بحث : نواسخ مبتدا و خبر (حروف مشبیهه بالفعل - لای نفی جنس) شماره جلسه : تاریخ:

حروف مشبیهه بالفعل إن : (همانا، بدرستی که) **أن** : (که، این که) **كأن** : (گویی، مثل این که) **كأيت** : (کاش، ای کاش)

لکن : (لیکن، ولی، اما) **لعل** : (شاید، امید است) بر سر جملات اسمیه داخل می شوند و علاوه بر تاثیر در معنای جملات « مبتدا » را به عنوان « اسم » خود منصوب می کنند و « خبر » را به عنوان « خبر » خود « مرفوع » می سازند .

اللَّهُ غَفُورٌ ← إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ *** الْمُسْلِمُونَ مُتَّحِدُونَ ← لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ مُتَّحِدُونَ .
 *** اسم حروف مشبیهه بالفعل به دو صورت می آید :

1- اسم ظاهر: **إنَّ الْعِلْمَ مُفِيدٌ** . كأنَّ المبدَرَ أخو الشيطانَ

2- ضمیر بارز: **إِنَّكَ مُسْلِمَةٌ** . ليتك قوى لتساعدَ المحرومين

اسم مرفوع مشبیهه بالفعل هیچگاه ضمیر مستتر نیست

*** خبر حروف مشبیهه بالفعل (مانند انواع خبر در مبتدا) به سه صورت می آید:

1- خبر مفرد و مرفوع 2- خبر جمله و محلاً مرفوع 3- خبر شبه جمله و محلاً مرفوع

إنَّ الغابةَ جميلةً ليت المودةُ تستقرُّ بين الناسِ إنَّ التلميذَ في المدرسة - لعلَّ عليُّ هناك

نکته ها

* هرگاه بعد **إنَّ و أنَّ**؛ «ما» ی کافه (بازدارنده) بیاید، آن ها را از عملشان باز می دارد و مبتدا و خبر به صورت مرفوع می آیند ؛

إنَّما المؤمنون اخوةٌ إنَّما ثمره العلمُ العملُ علمتُ أنما العلمُ نافعٌ

* **أنَّما و إنَّما** هر دو ادات حصر هستند و هنگام ترجمه از «فقط - تنها» استفاده می کنیم.

* اگر «ما» به آن و «إن» متصل نباشد در این صورت «ما» اسم موصول است و اسم حروف مشبیه بالفعل و محلاً منصوب خواهد بود.

إنّ ما توعدون لواقعٍ إنّ ما أراه بديعٍ

* «إنّ» معمولاً در آغاز جمله و «أنّ» معمولاً وسط جمله می آید: - إنّ الطالبة تتكاسلُ في دروسها - عَلِمْتُ أنّ النجاةَ في الصدقِ

* گاهی اسم یا خبر حروف مشبیه بالفعل با «لَ» همراه می شود که جهت تأکید بیشتر به کار رفته و غیر عامل است:

إنّ الإنسانَ لَفِي خُسْرٍ إنّك لَعَلَّامُ الْغُيُوبِ إنّ في البيتِ لِرِجَالاً إنّ أجلَ اللهِ لَأَتٍ

لای نفی جنس بر سر جمله اسمیه وارد می شود و اسم خود را مبنی بر فتح و محلاً منصوب کرده و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع نگه می دارد؛

لأحدٍ في الدارِ : هیچ کسی در خانه نیست. لا سَحَابَ في السماءِ : هیچ ابری در آسمان نیست.

** اسم لای نفی جنس همیشه نکره ، مبنی بر فتح و محلاً منصوب است یعنی : همیشه **فتحه** ای بی تنوین دارد .

لاتلميذٍ في الصفِّ لا خَيْرَ في وُدِّ امرئٍ متلونٍ

** خبر لای نفی جنس به سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می آید :

لا مؤمنَ كاذبٌ لا نصيحةَ تنفعُ العنودَ - لا تلميذاً أبوه حاضرٌ لا تلميذاً في المدرسة - لا كتابَ عندي

نکته ها

* اسم لای نفی جنس هیچگاه ال و تنوین نمی گیرد : لا الشیءَ أضربُ من الجهلِ ← غلط لا نصيحةَ تنفعُ العنودَ ← غلط

* اسم لای نفی جنس مثنی و جمع بسته نمی شود : لا رجالان في البيتِ ← غلط لا رجالَ في البيتِ ← غلط

* خبر لای نفی جنس هیچگاه بر اسم آن مقدم نمی شود : لا في الصفِّ تلميذٌ ← غلط

* لای نفی جنس را به صورت "هیچ نیست" ترجمه می کنیم . لا بلیةَ أعظمُ من الجهلِ : هیچ بلایی بزرگتر از نادانی نیست.

* گاهی خبر لای نفی جنس حذف می شود، مخصوصاً اگر جمله ی استثنا با «إلا» بیاید ؛ - لا سيفَ إلا ذوالفقار - لا حولَ و لا قوةَ إلا باللهِ